

معنویت و اخلاق در تمدن نوین اسلامی

حدیث محمدی (نویسنده مسئول) - ^۱ طلعت حسنی بافرانی - ^۲ زهرا محمودی ^۳

چکیده

معنویت بر آمده از مرجعیت ایدئولوژی، شاخصی است که می توان گفت یکه تاز قدرت نمایی نظریه تمدن سازی اسلامی است و بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان بیانیه تمدن ساز عینیت بخش این سبک از تمدن در میان تمدن نوین جهانی با سبک لائیک است. قدرت گفتمان تمدن اسلامی برآمده از تعلیمات قرآن و سنت است؛ از اینرو هدف بحث پیش رو را بررسی مبانی تقویت و تضعیف کننده معنویت خودساز، جامعه ساز و تمدن ساز از دیدگاه قرآن با محوریت بیانیه گام دوم انقلاب شکل می دهد. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از رهنمودهای رهبری و آیات قرآن گرد آوری شده است. یافته های تحقیق پس از واکاوی مفهومی و هم سو بودن معنویت با هدایت به نور در قرآن در بخش عوامل تقویت کننده شامل: ایمان به خدا، تقوا، عمل صالح، تربیت اخلاقی و

۱. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه قم

(ordybehesht1395@yahoo.com)

۲. دکتری الهیات t.hasani16@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری الهیات zahra.mahmudi.m@gmail.com

حاکمیت الهی در جامعه و در بخش تضعیف کننده شامل: دنیاگرایی، گناه و فعالیت
کانونهای ضد معنویت است و این عوامل با مضامین پایه در رهنمودهای رهبری و شواهد
قرآنی منطبق شده است.

کلید واژه ها: معنویت و اخلاق، بیانیه گام دوم انقلاب، خود سازی، جامعه سازی،
تمدن سازی

مقدمه

همزمان با آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی ایران، رهبر انقلاب در بیانیه ای آینده نظام را با طی کردن پله های خودسازی و جامعه سازی به تمدن سازی پیوند زدند، ایشان در این بیانیه هفت راهبرد برای رسیدن به این مقام را مطرح کردند که یکی از موارد مطرح شده موضوع «معنویت و اخلاق» است. در منظومه فکری امام خامنه ای که مبتنی بر آموزه های توحیدی است معنویت، منفعل و فردی نیست و پیوند خورده با عدالت و عقلانیت (امام خامنه ای ۱۳۸۳/۸/۲۵) و در نتیجه ظلم ستیزی و جامعه سازی است. (امام خامنه ای بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3304>) معنویت در دنیای غرب از تعریف دینی خارج و در بسیاری از بافت های غیر دینی (سکولار) وارد شده است. (Jane Dyson, 1997, 1183) و مفهومی غیر از تمایل انسان به تعالی به دست نمی دهد (کینگ، اورسولا، ۷۴) و جایگاهی بهتر از معنویت فردی نیافته است. اما نگاه جامعه ساز بیانیه گام دوم انقلاب، معنویت و اخلاق را فراتر از فرد معرفی می کند و مسیر خود را از دیدگاه غربی کاملاً جدا می سازد. در این دیدگاه است که عدالت و ستم گریزی معنا می یابد و معنویت از حالت منفعل به حالت فعال تغییر وضعیت می دهد. لذا پاسخگویی به چیستی معنویت تمدن ساز و عوامل تقویت کننده و تضعیف کننده آن گامی موثر در رسیدن به چشم انداز بیانیه گام دوم انقلاب است.

با توجه به جایگاه ویژه معنویت و اخلاق در معارف اسلامی، فرضیه ی تحقیق، تحلیل عوامل دستیابی به معنویت و اخلاق بر اساس مفهوم معنویت در قرآن و همچنین رهنمودهای رهبری با محوریت بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان راهبرد دستیابی به این هدف عالی در نظر گرفته شد. در قرآن کریم، به جایگاه بلند هدایت به نور و زیر چتر ولایت قرار گرفتن افرادی که به این هدایت قدم می گذارند اشاره شده است (بقره: ۲۵۷) و لازمه رسیدن به حیات واقعی همین هدایت به نور است (نحل: ۹۵) لذا معنویت مورد نظر قرآن با دو کلید

واژه هدایت به نور و حیات طیبه در ارتباط است و می توان برخی عوامل تقویت کننده و تضعیف کننده معنویت و ثمره آن یعنی اخلاق را با ارتباط آیات با یکدیگر بدست آورد. (آیه ۲۵۷ بقره ایمان، نور: ۳۵ و بقره: ۲ تقوا.....) از سوی دیگر با توجه به اینکه نگاه جامعه ساز امام خامنه ای که خود در جایگاه رهبری، مفسر قرآن می باشد علاوه بر بیان برخی مختصات معنویت خودساز و جامعه ساز موجب شناسایی بهتر عوامل تقویت و تضعیف کننده در سطح جامعه می شود که آن نیز قابل تطبیق با دو کلید واژه هدایت به نور و حیات طیبه است.

بر اساس فرضیه و هدف تحقیق، سوال اصلی تحقیق عبارت است از: «علاوه بر واکاوی مفهومی معنویت از منظر قرآن، معنویت و اخلاق مورد نظر امام خامنه ای که در جهت خودسازی و جامعه سازی و سپس تمدن سازی نقش ایفا می کند کدام است؟» سوالات فرعی تحقیق عبارت است از: «معنویت خودساز و جامعه ساز از منظر امام خامنه ای چه ویژگی ها و مختصاتی دارد؟» «عوامل تقویت کننده معنویت و اخلاق خودساز و جامعه ساز چیست؟» «عوامل تضعیف کننده معنویت و اخلاق خودساز و جامعه ساز چیست؟»

این پژوهش، با روش توصیفی تحلیلی و با جستجو در منابع کتابخانه ای انجام شده است. در مسیر تحقیق بعد از تبیین لغوی مفاهیم اصلی، ماهیت شناسی «معنویت» به عنوان مبنای نظری تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و پس از انطباق این ماهیت با تعبیر قرآنی آن در آیات مرتبط با حوزه معنویت جستجو شده است و سپس آیه یافت شده با روش تحلیل محتوا، بررسی شده و بر اساس دلالت مطابقی و یا التزامی آن، عوامل تقویت و تضعیف کننده معنویت استخراج و استنباط شده و با رهنمودها و ویژگیهای مورد نظر رهبری در زمینه معنویت و اخلاق خودساز و جامعه ساز منطبق گشته است.

پیشینه

در تحقیقات بسیاری به مفهوم یابی معنویت در قرآن پرداخته شده است: سلوک معنوی در قرآن (سعیدی، ۱۳۹۳)، مدل مفهومی معنویت قدسی در قرآن (رستگار، ۱۳۹۴)، اصول و

مبانی معنویت از دیدگاه قرآن (مصباح یزدی، ۱۳۸۸) و..... که هر کدام معنویت را به یک نوع خاص تعریف می کنند همچنین در زمینه جایگاه معنویت و اخلاق در تمدن اسلامی نیز تحقیقات جسته و گریخته ای انجام شده است: تعامل اخلاق، معنویت و عقلانیت در تمدن اسلامی (ملکی، ۱۳۹۲)، مولفه های اصلی تمدن سازی انقلاب اسلامی (خواجه سروی، ۱۳۹۳) و ضرورت نگاه تمدنی به معنویت (ایزدپناه، ۱۳۹۳) تحقیقاتی از این دست است اما به طور مشخص، در مورد مفهوم معنویت خودساز و جامعه سازو عوامل تقویت و تضعیف آن براساس قرآن و رهنمودهای رهبری تحقیق جامعی یافت نشد و این تحقیق از این جهت دارای نوآوری است.

مفهوم شناسی

الف) معنویت

واژه معنویت از کلمه المعنوی (عنی) گرفته شده و به معنای منسوب به معنا در مقابل مادی (بستانی، ۱۳۷۶، ۱: ۸۴۲) و لفظی قرار می گیرد و در بردارنده معانی حقیقی، راست، اصلی و ذاتی، مطلق و باطنی و روحانی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۴: ۲۱۱۹۰). مقایس اللغه این واژه را دارای سه معنا، قصد چیزی با حرص و رغبت فراوان، در بردارنده معنای خضوع و ذلت، ظهور و بروز شیء، دانسته است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ه. ق. ۴؛ ۱۴۶) اما در باب مفهوم اصطلاحی واژه معنویت، بشر از آغاز زندگی خود به نوعی با معنویت زیسته است اما در قرنهای اخیر پس از یک دوره دوری انسان از معنویت باز این مفهوم به دلیل بروز تبعات مدرنیسم و انقلاب های مردمی و دینی مانند انقلاب اسلامی ایران در انواع مختلف دینی و سکولار به گفتمان جهانی وارد شده است. در دوران سنت همه یا عمده معنویت ها در قالب دین داری، محقق و موجود می شد، اما امروزه در دوران پست مدرن معنویت برای تحقق خود، از یک دین واحد بهره نمی گیرد بلکه گلچینی از دین های سنتی، عرفان ها، روانشناسی، علوم غریبه، شمنیسم و مکاتب اومانیستی است. (۳۰۵ - ۳۲۰، Houtman, Dick 2007) بنابر آنچه بیان شد معنویت از نظر اصطلاحی واژه ای نوپدید با

گسترده‌گی معنایی محسوب می‌شود به طوری که در طی چند دهه گذشته هر گونه معناگرایی در هر رشته دینی و غیر دینی خود را به اسم معنویت معرفی می‌کند. (الهامی نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۲) بنابراین به زعم عده ای معنویت لزوماً به معنای دین داری نیست و از این رو معنویت به دو قسم دینی (وحيانی) و غیر دینی (سکولار) تقسیم شده است و این معناگرایی گسترده در معدود مواردی سبب رهایی انسان از ظلم، خودسازی و جامعه سازی شده است که نمونه ای عینی از آن همان انقلاب اسلامی ایران است. (حمیدیه، بهزاد، ۱۳۹۵، ص ۸)

ب) اخلاق

خُلُق در لغت به معنای دین، طبع و سجیه که حقیقتش برای باطن انسان است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۸۶) و اخلاق مجموعه صفات باطنی انسان تعریف شده است. (جوهری، ۱۴۰۷ ق: ۴ / ۱۴۱۷) علامه طباطبایی آورده اند کلمه خُلُق به معنای ملکه نفسانی است، که افعال بدنی مطابق اقتضای آن ملکه به آسانی از آدمی سر می‌زند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۶۱۸) و از منظر علم اخلاق واژه اخلاق اعم از صفات پایدار و ناپایدار و کارهای قابل تحسین و تقبیح است (مصباح، ۱۳۹۸: ۴۵) بنابراین اخلاق ناظر به رفتارها و هنجارهای صادره از انسان است و ملکات و حالات نفسانی منشا و مبدا بروز این خلیقیات اند. اخلاق نیز مانند معنویت در حال حاضر به دو بخش اخلاق دینی و اخلاق سکولار تقسیم شده است، مدعیان اخلاق دینی صفات، رفتار و هنجارهای حاکم را برخاسته از متن دین می‌دانند و دین و گزاره های دینی را اصلی ترین مرجع برای تنظیم و ارائه ی اصول و قواعد رفتاری و اخلاقی دانسته، ارزش، کمال و سعادت دنیوی و اخروی را در دین جستجو می‌کنند (شانظری، ۱۳۹۱، ص ۱۳). اما مدعیان اخلاق سکولار به جدایی دین از ساحت اخلاق معتقدند و بر این باورند که قواعد اخلاقی باید بر مبنای اصول انسانی و زندگی دنیوی و رفاه اجتماعی تعیین گردد و عقل بشر مرجع نهایی ارزش گذاری اخلاقی است. (سربخشی، ۱۳۹۰، ص ۵۸)

ویژگی های معنویت و اخلاق خود ساز از منظر امام خامنه ای (مدظله العالی) از منظر مقام معظم رهبری، معنویت، همان معنویت دینی است، نه معنویت فارغ از دین که اساساً آن معنویت نیست بلکه توهم است. (امام خامنه ای بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور

، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۸۸/۸/۶> (۸۲۹۲) معنویت از شعبه های بحث خداشناسی و خدا محوری است و به قلمرو مبانی اندیشه های رهبری مربوط می شود. این معنویت در بخش کارکرد خودسازی دارای ویژگی هایی است که برخی از آن به روش تحلیل محتوا در جدول زیر بیان شده است:

جدول ۱

مختصات معنویت خود ساز	ردیف
دینی و اسلامی	۱
خدا محوری، ایمان و عشق به خدا	۲
امری فطری و مورد نیاز بشر	۳
ارتباط با خدا (دعا)، تقوا، انجام تکلیف و اخلاص، دوری از گناه	۴
عبادت، توجه و ذکر، استمداد از خدا و توکل به او	۵
محبت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۶
توجه به مسائل دنیوی در کنار مسائل دینی و سلاح زهد	۷
خود انتقادی	۸
اخلاق از ابعاد معنویت	۹

ویژگی های معنویت و اخلاق جامعه ساز از منظر امام خامنه ای (مدظله العالی) از منظر امام خامنه ای معنویت فقط در فرد خلاصه نمی شود بلکه در تمام ساحت های زندگی فردی و اجتماعی گسترده است و معنویتی پویا برخاسته از فطرت انسانی و عقلانیت محور است و نشانه زنده و پویا بودن آن ظلم ستیزی و عدالت طلبی فرد و جامعه است. (امام خامنه ای <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۸۴/۶/۸>) برخی از ویژگی های معنویت و اخلاق جامعه ساز را می توان در جدول

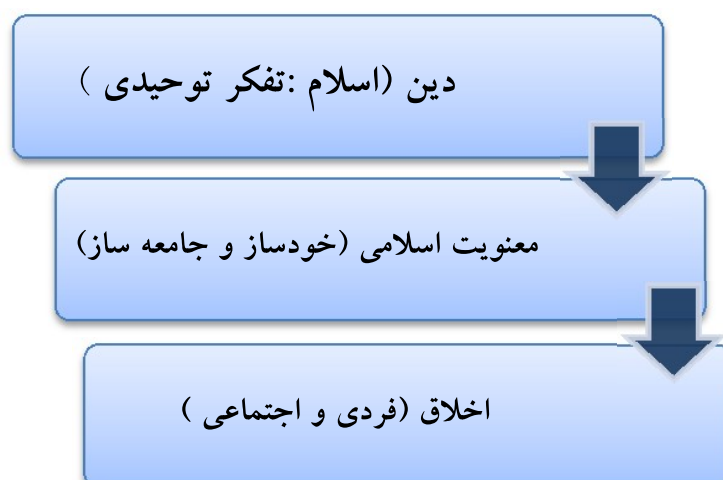
زیر مشاهده کرد:

جدول ۲

مختصات معنویت جامعه ساز	ردیف
نسبت معنویت و عرصه های زندگی: نسبت روح و جسم	۱
هم بستگی پیشرفت مادی و پیشرفت معنوی	۲
محرك جوشش انقلابی	۳
رهبری درست منابع	۴
همراهی با عقلانیت و عدالت	۵
ساخت انسان معنوی هدف و وظیفه نظام اسلامی	۶
معنویت روح حاکم بر ساخت تمدن اسلامی و حیات طیبه	۷
نیاز به تربیت اخلاقی برای رسیدن به تمدن اسلامی	۸
ساده زیستی و زهد در جامعه	۹

بنابر این رهنمودها کارکرد جامعه سازی معنویت و ایجاد انقلاب در اقشار مردم مختصاتی است که به جرات می توان گفت در هیچ یک از معنویتهای موجود جهان قابل مشاهده نیست و این کارکرد کاملا مقابل معنویت سکولار که فقط به معنویت در قالب زندگی شخصی نظر دارد قرار می گیرد. بنابراین برای ساخت تمدن اسلامی همه فعالیت های دنیوی به شرط توجه به خداوند و قصد قرب او به ذکر تبدیل می شود و به این ترتیب روح معنویت در ساحت های گوناگون زندگی دمیده می شود و دنیا و آخرت از تقابل و دوگانگی به وحدت و یگانگی می رسد و انسان حقیقت خویش را در یکپارچگی کامل می بیند. (مظاهری سیف، ۱/۳۷۰)

روابط میان دین، معنویت و اخلاق از منظر رهبری:



البته نمی توان اذعان کرد که این توالی موجب عدم ارتباط همزمان این سه حوزه با هم است بلکه به همان نسبت که دینداری فرد و در نتیجه جامعه افزایش می یابد به همان نسبت ایمان و معنویت نیز افزایش یافته و موجب ملکات نفسانی و رفتارهای نیک که همان اخلاق است می شود. این مقام تشکیکی اگر در جامعه ای به سوی متعالی خویش حرکت کند موجبات تمدن نوین اسلامی و در نتیجه گفتمانی بین المللی می شود.

مبانی عینیت بخشی به معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب

در بیانیه گام دوم انقلاب امام خامنه ای، رهبری معنوی امام خمینی رحمته الله علیه و ایمان مردم ایران را موجب افزایش چشمگیر معنویت در فضای عمومی جامعه می دانند و محک خود را در رشد معنوی، رشد جامعه با مصادیقی چون مجاهدت جوانان در میدانهای سخت دفاع مقدس با ذکر و دعا و روحیه ی برادری و ایثار، پذیرش مصیبت همراه با شکر از سوی پدران و مادران و همسران، رونق گرفتن فضاها، مناسک و مراسمات دینی، اردوهای جهادی، جهاد سازندگی و بسیج سازندگی عنوان می کنند (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)، بخش ۶) بنابراین آنچه در سرگذشت انقلاب اسلامی در چهل ساله اول اتفاق افتاده است نمود عینی معنویت خود

ساز و جامعه ساز بوده که در پی آن زندگی معنوی و مقابله با استکبار جهانی را در پی داشته است.

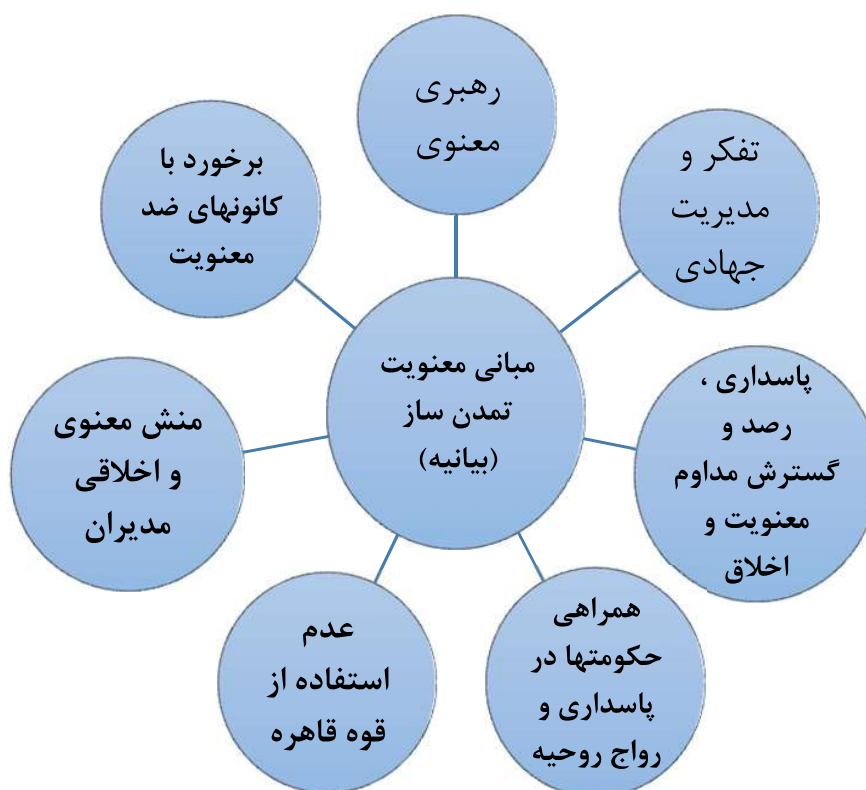
در بخش توصیه های بیانیه گام دوم انقلاب آمده است: معنویت به معنی برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت هایی چون خیر خواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق جهت دهنده ی همه ی حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است، بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) توصیه ها، بخش ۲)

در این فراز از برخی رفتار به عنوان ارزش معنوی نامبرده شده است، ارزش در جامعه معادل مطلوبیت است و می تواند غیری یا ذاتی باشد غیری به این معنا که در مقایسه با مدارج بالاتر مطلوب است و ذاتی به این معنا که خود آن ارزش مطلوبیت دارد. (مصباح، ۱۳۹۸: ۴۸) در اینجا مورد نظر رهبری غیری بودن ارزشهای بیان شده است زیرا وسیله ای برای رسیدن به مطلوب که همان قرب الهی در سایه تمدن اسلامی است می باشد. (امام خامنه ای ۱۳۷۵/۷/۱۸) لذا اگر این ارزشها از منظر دیدگاه سکولار رسیدن به زندگی آرام و مسالمت آمیز است در منظر امام خامنه ای وسیله ای برای رسیدن به خدا و قرب او عنوان می شود. و این رسیدن به خدا رسیدن به نور است. *اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ* (نور: ۳۵)

تشکیکی بودن و نیاز به پاسداری، مراقبت و رصد و گسترش معنویت و اخلاق سبب شده که این راهبرد علاوه بر برکات در توصیه ها نیز تکرار و بر آن تاکید شود همان گونه که رهبری در بند سوم این فراز هم به این امر اذعان می کنند و با اشاره به تهاجم کانونهای ضد معنویت و ضد اخلاق علیه دلهای پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان وظیفه دستگاههای مسئول حکومتی را در مقابله با این هجمه ها سنگین عنوان می کنند

بنابر آنچه بیان شد می توان عوامل ایجاد، گسترش و پاسداری از معنویت خودساز و جامعه ساز و در نتیجه تمدن ساز در بیانیه گام دوم انقلاب را اینگونه ترسیم کرد:

نمودار ۱



معنویت مورد نظر رهبری معنوی دینی و برآمده از ایمان واقعی است هدف کلی این معنویت قرب خداوند است و سعی دارد با ورود به تمامی عرصه های زندگی مانند روح در قالب جسم به این عرصه ها معنا و هدف بدهد معنویت مقامی تشکیکی است و پس از استقرار آن باید رصد و پاسداری شود که در این راه رهبری معنوی و همراهی حکومتها با تفکر و روحیه جهادی عوامل موثر گسترش و پاسداری از آن است، اخلاق نیز کارکرد اصلی معنویت است و معنویتی که موجب تمدن سازی می شود معنویتی است که ابتدا از خود سازی و سپس جامعه سازی رشد و نمو می کند و در انتها با ساخت تمدن اسلامی این

روحیه را به تمامی دنیا صادر می کند و زمینه های حیات طیبه را فراهم می آورد.

عوامل تقویت کننده معنویت و اخلاق از منظر قرآن

الف) ایمان به خدا

بنا به آیه ۲۵۷ سوره بقره، خداوند، ولایت کسانی را قبول می کند که در گام اول ایمان به او داشته باشند: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» لذا اولین تفاوت میان معنویت و اخلاق سکولار و الهی در ایمان به خالق فرای ماده است، این ایمان از اعتقاد به توحید به معنای «یکی دانستن و یکتا شمردن» خداوند متعال سرچشمه می گیرد. (خسروپناه، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲) توحید اصل اول اسلام است که به فرموده قرآن موجبات عبادت و اطاعت از خدا را که هدف خلقت است فراهم می کند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۹) انتظار اسلام، پذیرش اصل بندگی توحیدی خدای متعال و نفی پرستش و اطاعت دیگران است و همین مطلب شاه کلید حرکت به سوی کانون نور و معنویت است (بهجت پور، ۱۳۸۹، ص ۸۰) «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم: ۱) از منظر قرآن، خودسازی و جامعه سازی که سبب عبودیت بیشتر به درگاه خداوند شود به رستگاری و سعادت انسان نزدیک تر است «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ» (اسراء: ۲۳) و هیچ چیزی وارد این ساحت نمی شود «أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران: ۶۴) توحید پایه ایمان به خدا و این ایمان اگر قلبی و همراه با تعهد باشد ایمانهای دیگری را نیز به همراه می آورد «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ» (بقره آیه ۱۷۷) بنابراین ایمان به معاد، ملائک، کتاب و انبیاء الهی از ثمره ایمان کامل و قلبی به خداوند است. از این مطالب می توان اینگونه بدست آورد که توحید موجبات ایمان به خدا، نفی پرستش و اطاعت دیگران، عبودیت و بندگی و ایمان به معاد را فراهم می کند که به فرموده قرآن تمامی این مسیر برای حرکت به سوی نور است و انسانی که پای در این مسیر بگذارد تحت سرپرستی خداوند قرار می گیرد (بقره: ۲۵۷) و غیر این افراد به فرموده صریح قرآن کافرند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمْ

الظَّالِمَاتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره: ۲۵۷) و ولایت طاغوت را پذیرفته اند و فرد و جامعه ای که در ظلمات قرار گیرد جایگاهی جز آتش نخواهد داشت «أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۵۷) لذا برای قرار گرفتن در مسیر معنوی مورد نظر قرآن توحید و ایمان به خدا گام اول برای رسیدن به تمدن اسلامی است.

ردیف	مضامین پایه در بیانات رهبری مطابق جداول ۱ و ۲ و نمودار ۱	شواهد قرآنی
۱	ایمان، خدا محوری و عشق به خدا	بقره: ۲۵۷، رعد: ۱۶
۲	ارتباط با خدا و عبودیت	بقره: ۲۵۷، اسراء: ۲۳، آل عمران: ۲۶، نور: ۳۷
	ایمان به معاد، ملائکه و انبیاء	بقره: ۱۷۷
۶	ساخت انسان معنوی هدف و وظیفه نظام اسلامی	ابراهیم: ۵، حدید: ۹
۳	معنویت روح حاکم بر ساخت تمدن اسلامی و حیات طیبه	نحل: ۹۷، انعام: ۱۲۲

ب: تقوا

بر اساس کلید واژه هدایت به نور و حیات طیبه که در قرآن به عنوان شاخصه معنویت و اخلاق به دست آمد و بر اساس آیات ۳۵ و ۳۷ سوره نور، خداوند ولی کسانی است که در هنگام معامله و تجارت نیز یاد خدا را فراموش نمی کنند و خود را به متاع ناچیز دنیا نمی فروشند: «مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ» (نساء: ۷۷) و در کنار استفاده از تجارت و سود از تسبیح خداوند غافل نیستند: «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ» (نور: ۳۵) لذا خودنگهداری آنان مقابل متاع دنیا جلوه ای از هدایت به نور است. این توجه فقط در تجارت و بیع خلاصه نمی شود بلکه هر آنچه موجب غفلت انسان از یاد خداوند شود به نوعی ظلمت است. زیرا ظلمت متعدد و نور یکی است: «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (مائده: ۱۶) و راه کسب این نور مراجعه به کتاب است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم: ۱) و این کتاب برای متقین هدایت می آورد «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲) لذا با این تفاسیر انسان پس از ایمان به خدا، هدایت را از کتاب و در سایه تقوا بدست می آورد. بنابراین کلید واژه دیگری که می تواند نشاندهنده هدایت به نور

باشد تقواست. تقوا از «وقایه»، به معنی حفظ شیء از آن چه به او زیان برساند. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۴/۴۸۰) در آیات قرآن کریم ۲۴۳۶ واژه تقوا به صورت اسمی و فعلی و به عنوان صفت به کار رفته و این تعداد فعل امر به صراحت نشان می دهد که تا چه حد رعایت تقوا اهمیت دارد. اگر ملکه تقوا مقابل گناه وجود نداشته و هر فرد برای خود ناظری از درون قرار ندهد در هر خلوتی معصیت خدا را می کند و در هر فرصتی برای بدست آوردن منافع خود از هر طریقی اقدام می کند در این صورت رسیدن به حقایق هستی و امر قدسی و خروج از ظلمات چگونه ممکن است؟ لذا تقوا لازمه رشد معنویت و اخلاق در فرد و جامعه است.

ملکه تقوا به یک جا محدود نمی شود و با پویایی، سعی در استمرار و ارتقاء دارد: لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (مائده، : ۹۳) و فرد و جامعه نیازمند این ارتقا و حفظ آن است. از منظر قرآن تقوا دارای اثرات در درون فرد و گروه مانند توکل: الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (اعراف آیه ۱۲۸) (در این آیه متقین به صورت جمع آمده است و نشان می دهد که عافیت و حیات طیبه برای متقین است) و نجات از تنگناها و مشکلات زندگی، امیدواری و وسعت رزق " وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (طلاق: ۲) است.

ردیف	مضامین پایه در بیانات رهبری مطابق جداول ۱ و ۲ و نمودار ۱	آیات
۱	تقوا	آل عمران: ۱۰۲، تغابن: ۱۶ و...
۲	توکل	اعراف: ۱۲۸
۳	هم بستگی پیشرفت مادی و پیشرفت معنوی	نور: ۳۵
۴	حفظ دستاوردهای معنوی	انفال: ۶۰

ج: عمل صالح و تربیت اخلاقی

همان گونه که در قبل بیان شد هدایت از ظلمات به سوی نور نیازمند ایمان است، برای یافتن کلید واژه بعدی در راه رسیدن به نور و حیات طیبه پس از دقت در آیاتی که در آن لفظ «آمَنُوا» آمده دیده می شود که در ۵۰ آیه لفظ «آمَنُوا» همراه با «عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» بیان شده

ست: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (روم: ۹۶) و تنها راه خسران ندیدن انسان در زندگی ایمان همراه با عمل صالح است: «وَالْعَصْرُ* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر: ۳ تا ۱) قرین بودن این دو موید این مطلب است که عمل صالح ثمره و نتیجه ایمان خالص و حقیقی به خداوند است که همراه با ادعای افراد قابل مشاهده است. معنای لغوی عمل صالح عبارت است از کاری که از روی قصد و علم و همراه با مشقت انجام شده و از آثار نیک مترتب بر آن چیزی کاسته نشده باشد. (مولوی، ۱۳۹۵، ۷) و علامه طباطبایی معتقدند وقتی عملی صالح شد هر خیر وفایده ای که در خور آن باشد بر آن مترتب خواهد گشت. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۴ / ۵۰۰) و برخی از مفسران معاصر مانند مکارم شیرازی عمل صالح را عمدتاً به صورت یک مفهوم کلی و مطلق شامل همه اعمال خوب و نیک حتی برداشتن یک سنگ از مسیر عبور و مرور دانسته اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۷ / ۲۹۹) از منظر امام خامنه ای عمل صالح مفهومی تمدنی دارد تا آنجا که تشکیل نظام اسلامی توسط امام خمینی را بالاترین مصداق عمل صالح دانسته‌اند (امام خامنه ای ۱۳۹۸/۸/۲۴) و همچنین شرکت در انتخابات (۱۳۸۴/۳/۲۷)، تبلیغ (۱۳۸۸/۹/۲۲)، کار و کارگری (۱۳۸۷/۲/۴)، فعالیت اقتصادی (۱۳۹۲/۱۲/۲۰) تدریس و درس آموزی، (۱۳۷۴/۲/۱۳) حضور در راه‌پیمایی نه دی (۱۳۹۰/۹/۲۱) را از مصادیق عمل صالح می‌دانند و معتقدند: امروز در دنیای کنونی، هر حرکتی، ... هر حرفی که در جهت استقلال سیاسی فرهنگی، اقتصادی کشورها و ملت‌ها، در جهت وحدت، اقتدار امت اسلامی، ترویج علم در دنیای اسلام باشد... عمل صالح است، حسنه است.» (۱۳۹۸/۸/۲۴) و این فراز چه زیبا با این آیه قرآن هماهنگی دارد: «... لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَّوْنُ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (توبه: ۱۲۰) و خداوند به مومنانی که ایمانشان را با عمل صالح همراه کرده اند وعده خلافت در زمین: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي

الأرض» (نور: ۵۵)، برخورداری از حیات طیبه: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷) عدم خوف و حزن مقابل دشمنان: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۷) و بهره مندی از نصرت و هدایت الهی «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ» (یونس: ۹) داده است.

و اما در باب اخلاق برخی آن را در قرآن برابر عنوان تزکیه نفس می دانند که همراه با تربیت است. (قهرمانیان، ۱۳۹۰، ۱۲، مصباح، ۱۳۹۱، ص ۱۴) برخی دیگر اخلاق مطرح شده در قرآن را اخلاق الهی می دانند. (فیروزمهر، ۱۳۹۲، ۳۸) علامه جواد آملی اخلاق را دارای سیر و سلوک می دانند که مرحله به مرحله زیر سایه تفکر و تعقل موجب پاک شدن رذایل و رشد فضایل می شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ۱۵) اما با تمام این تعاریف می توان گفت: اخلاق مجموعه ای از صفات و رفتار است که در سایه تعقل و تربیت و با استفاده از تزکیه و تذهیب در سایه ایمان به فضایل تبدیل می شود و علت ارتباط آن با ایمان به هدف ارسال رُسُل بر می گردد: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه: ۲) در تفسیر این آیه آمده است: پیامبر مأمور است تا اخلاق زشت را از میان مردم بردارد و اخلاق نیکو را در میان آنان رواج دهد تا به رشد و کمال رسند. (قرائتی، ۱۳۸۸، ۱۰/۲۸)

لذا کسی که خواهان هدایت به نور است و از کتاب و رسول آورنده آن تبعیت می کند بی شک صفات و رفتارش تزکیه می شود و به فضایل اخلاقی آراسته می گردد.

امام خامنه ای نیز در بیانیه گام دوم انقلاب اینگونه اخلاق را معنی می کنند «اخلاق به معنی رعایت فضیلت هایی چون خیر خواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است.» و فرق اساسی نظام الهی با نظامهای دیگر را در همین تربیت و ساخت انسان معنوی می دانند (امام خامنه ای ۱۳۷۷/۷/۲۹).

ردیف	مضامین پایه ای در بیانات رهبری در جداول ۱ و ۲ و نمودار ۱	شواهد قرآنی
۱	جوشش انقلابی	نور: ۵۵، یونس: ۹، نحل: ۹۷
۲	انجام تکلیف و پایداری	توبه: ۱۲۰
۳	مدیریت و تفکر جهادی در پاسداری و رصد معنویت و اخلاق	فتح: ۲۶، بقره: ۸۳، اعراف: ۲۹
۴	حیات طیبه	نحل: ۹۷
۵	عدم خوف و حزن، نصرت و هدایت الهی	بقره: ۲۷۷، یونس: ۹
۶	فضایل اخلاقی ثمره هدایت به نور	جمعه: ۲، آل عمران: ۱۶۴، بقره: ۱۲۹

د: حاکمیت دینی و اسلامی در جامعه

رهبری در اسلام از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار است و خداوند در قرآن این مقام را به انبیاء خود اعطا نمود و به آنان دستور دارد که مردم را به سبیل حق رهنمون شوند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل: ۱۲۵) لذا کسی که قرار است وظیفه تزکیه مردم را برعهده بگیرد اولین ایمان آورنده است پس مقام اطاعت مختص افراد خاصی از ایمان آورندگان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) بنابراین خداوند در قرآن مقام رهبری جامعه را به رسمیت شناخته و آن را مختص افراد خاصی قرار داده است. (مظفر، ۲ / ۱۷) که مشخصه اصلی آنان ایمان به خدا و دعوت به نور است، زیرا پذیرش ولایت این افراد سبب همانندی با آنها می شود: «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ» (مائده: ۵۱) و به همین منظور در قرآن از پیروی مسلمانان از یهود و نصارا منع شده (مائده: ۵۱) از منظر دیگر جامعه در قرآن دارای سعادت و شقاوت است و حالت جامعه نیز از حالتی به حالت دیگر در حال تغییر است: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (الأعراف: ۳۴)، «زَيِّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ» (الأنعام: ۱۰۸) با کنار هم قرار دادن این دو برهان می توان به این نتیجه رسید که ساخت جامعه معنوی با فردی که رهبر آن است ارتباط مستقیم دارد زیرا النَّاسُ عَلَى دِينِ مَلُوكِهِمْ (شهید ثانی، ۱۳۷۷، ۴۹۴) بنابراین با توجه به عصر غیبت و پیش آمدن بحث ولایت فقیه جامعه اسلامی، می تواند ادعای رسیدن به تمدن اسلامی را داشته باشد که در راس آن

رهبری باایمان، متقی، باتزکیه نفس و مجاهد قرار داشته باشد.

برای ساخت جامعه معنوی و اخلاقی همراهی حکومت‌ها الزامی است زیرا رهبر به تنهایی نمی‌تواند جامعه‌ای را به سرمنزل مقصود برساند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) بنابراین برای داشتن حاکمیت و نظام اسلامی باید شرایط رهبری را به مقامهای بعدی جامعه اسلامی با شدت کمتر تسری داد و مسئولان جامعه باید ۱. خود روش و منش الهی و معنوی و اخلاقی داشته باشند و از این روست که در قرآن از پیروی از افرادی که همراه با رهبر الهی بودند تاکید می‌کند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (ممتحنه: ۴) همچنین کسانی همراه رسول الله هستند باید رفتارشان تجلی رفتارها و صفات نیکو باشد: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹) ۲. همانگونه که وظیفه رسولان در جامعه تزکیه و تربیت عنوان شد (جمعه: ۲) وظیفه حکومت و نظام اسلامی نیز ساخت انسان معنوی است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۵) ۳. برای نهادینه کردن نظام معنوی و اخلاقی در جامعه حکومتها وظیفه مقابله با کانونهای ضد معنویت را برعهده دارند و این اصل با توجه به اهمیت محیط مناسب برای تربیت اخلاقی (نساء: ۹۷) معاشران و دوستان صالح (فرقان، آیات ۲۷ و ۲۸) خانواده و وراثت (نوح: ۲۷) و فرهنگ و فضای جامعه (فتح: ۲۹) بسیار مهم می‌نماید همچنین مسلمانان در برخورد با نمادهای کفر ساکت نمی‌نشینند: «أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائده: ۵۴). ابن عباس گوید: اینها مردمی هستند که برای اهل ایمان مانند پسر نسبت به پدر و بنده نسبت بمولی و برای اهل کفر، مانند درندگان نسبت به شکار خود هستند. (طبرسی، ۷/ ۷۸) بنابراین برخورد قاطع با کسانی که سعی می‌کنند مردم را جهنمی کنند در ایجاد فضای معنوی در جامعه بسیار موثر است.

ردیف	مضامین پایه در بیانات رهبری در جداول ۱ و ۲ و نمودار	شواهد قرآنی
۱	همراهی حکومتها در پاسداری و رواج معنویت و اخلاق	فتح: ۲۹
۲	برخورد با کانونهای ضد معنویت	مائده: ۵۴
۳	روش و منش معنوی و اخلاقی مسئولان	ممتحنه: ۴، فتح: ۲۹

۴	عدم استفاده از قوه قاهره برای دعوت مردم به معنویت	نحل: ۱۲۵
۵	مدیریت و تفکر جهادی در میان مسئولان	عنکبوت: ۶۹

عوامل تضعیف کننده معنویت و اخلاق از منظر قرآن

الف) دنیاگرایی

بنابر آنچه که در تعریف معنویت از منظر قرآن بیان شد، معنویت هدایت به نور است که انسان را به حیات طیبه رهنمون می کند حیات طیبه ای که به گفته علامه طباطبایی در همین نشئه دنیا رخ می دهد که زندگی قوی تر روشن تر و دارای آثار بیشتری نسبت به زندگی این دنیایی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲ / ۴۹۲) و کسانی می توانند حیات طیبه را داشته باشند که با نور هدایت زنده شده باشند: «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَخْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» (انعام: ۱۲۲) مقابل حیات ممات و فناست و آنچه فانی است دنیای خاکی و زیور های آن است که در قالب مثال به زیبایی در قرآن بیان شده: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا... كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهَيِّجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا» (حدید: ۲۰) "حطام" به معنای گیاهی است که از شدت خشکیدگی می شکند و با نسیمی به فنا می رود (طباطبایی، ۱۹ / ۲۸۹) لذا کسی که به دنیا و زیورهای آن دل ببندد بی شک به امری فانی دل بسته است که حیاتی در آن نیست و این معنا مخالف هدایت به نور و حیات واقعی است. در دنیای کنونی «دنیایی شدن» و یا «دنیاگرایی» بیشتر از دیگر معانی مفهوم سکولاریزم را می رساند (گلابری، ۸۶) در سکولاریزم سعادت انسانی نه با توسل به امور غیبی که با تامل و به کارگیری امور عالم مادی حاصل می شود حال اگر انسانی ابزار دنیا را غایت سعادت خود قرار دهد و از معنویت و دین غفلت کند «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم: ۷) این غفلت اساس تمام انحرافات خواهد شد: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ آيَاتِنَا غَافِلُونَ* أُولَئِكَ مَاوَاهُمْ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یونس: ۷ و ۸) (و غایتی جز جهنم ندارد، بنابراین تمدن

اسلامی قرار است مقابل دنیای دنیاگرایانی قرار بگیرد که با استفاده از تفکر سکولاریزم سعی در جهنمی کردن ملت‌ها دارند.

مسئله مهم آن است که خداوند تمامی آنچه انسان برای سعادت به آن احتیاج دارد در همین دنیای فانی به او اعطا کرده (طه: ۵۰) و آن هدایت به نور بوسیله ارسال رسل و کتاب است لذا مومن ناچار به زندگی در دنیای فانی برای رسیدن به حیات طیبه است و باید تا جایی که می‌تواند از این امکانات برای رسیدن به حیات واقعی بهره‌بردار باشد. زیرا خدا سعادت نباید حتما ملازم با عزلت و انزوا و استفاده نکردن از مواهب الهی باشد. اما این تمام آنچه در زمین و دنیاست مسخر انسان قرار داده است. (جاثیه: ۱۲ و ۱۳) اما این امکانات نباید به عنوان هدف قرار گیرد بلکه جز وسیله چیزی نیست.

ردیف	مضامین پایه در بیانات رهبری	شواهد قرآنی
۱	مضمون بودن حب دنیا	روم: ۷، یونس: ۷ و ۸
۲	جدانگاری دنیا و آخرت (تحریف دین)	طه: ۵۰
۳	غفلت ثمره دنیاگرایی (دوری از زهد و ساده زیستی در میان مسئولان)	یونس ۷ و ۸، حدید: ۲۰

ب: گناه

همان گونه که در بخش قبل بیان شد خداوند برای هدایت انسان در دنیا آنچه را مورد نیاز او بوده به وی اعطا کرده است اولین گام برای یافتن راه هدایت معرفت است و معرفت نیز باید از طرقی کسب شود و نفس انسان به حسب فطرت، به گونه‌ای آفریده شده که صلاحیت معرفت و حقایق امور را دارد و این در صورتی است که زمینه‌ها فراهم و موانع مفقود باشد (صدرالمتالهین، ۱۴۱۰، ۹/ ۱۳۶) از راههای دریافت معرفت می‌توان به قلب اشاره کرد. خداوند در مورد اهل جهنم می‌فرماید: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا» (اعراف: ۱۷۹) همچنین در جایی دیگر قلب را محل تعقل می‌داند: «فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا» (حج: ۴۶) با مشاهده این آیات و آیات مشابه از این دست (انعام: ۲۵، اسراء: ۴۶، کهف: ۵۸)، استنباط می‌شود که مراد از قلب، روح و نفس است و یا شانی از شئون روح که دارای تعقل، شهود، ادراک و فهم است و براساس روایات یکی از موانع معرفت قلب گناهان است

(مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۰ / باب ۱۳۷ و ۱۳۸) و در قرآن نیز از بسته شدن راه معرفت قلب با تعابیر گوناگون نامبرده شده: ختم قلب (مهر زدن بر قلب) برای کافران: «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ» (بقره: ۷) طبع قلب (مهر زدن بر قلب) برای منافقان: «فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» (منافقون: ۳)، متکبران: «كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ» (غافر: ۳۵)، متعدیان و متجاوزان: «كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ» (یونس: ۷۴)، مرض قلب (بقره آیه ۱۰، مائده آیه ۵۲، انفال ۴۹....) همچنین قفل کردن قلوب: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (محمد: ۲۴) که نشان از آراسته شدن گناهان در چشم منافقان دارد. لذا کسی که به دلیل تجاوز و تعدی از حقوق الهی و تکبر، نفاق و کفر راه معرفت بر قلبش بسته باشد بی شک این فرد از هدایت نور الهی در حجاب خواهد ماند.

امام خامنه ای نیز در سخنانی به سه درجه از تاثیر گناه اشاره دارند ایشان در اولین مرحله گناه با اشاره به آیه «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا» (آل عمران: ۱۵۵) بیان می کنند که خطاهایی که فرد انجام می دهد در یک نقطه ی حساس سبب لغزش او می شود و این لغزش مقدمه سقوط او از معنویت و اخلاق است ایشان این مرحله را بسیار متوجه مسئولان نظام و حکومت می دانند در مرحله دوم گناهان موجب نفاق می شوند یعنی دل با زبان یکی نیست: «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (توبه: ۷۷) گناه موجب نفاق می شود و نتیجه آن بنابر آیات بالا قفل شدن قلوب و بسته شدن راه هدایت است و اما در مرحله بالاتر گناه و کج روی موجب تکذیب ما انزل الله می شود (امام خامنه ای ۱۳۹۵/۳/۲۵) «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (روم آیه ۱۰) گناه روح ایمان را می خورد و کار به جایی می رسد که سر از تکذیب آیات الهی در می آورد و دیگر هیچ وعظ و اندازی مؤثر نیست و جز تازیانه عذاب دردناک الهی راهی باقی نمی ماند (. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۶، ۳۷۴)

گناه فقط فردی نیست و گاهی این گناه گناهان جمعی ملتهاست همانگونه که در

داستان قوم لوط بیان شده که تمامی قوم به فحشایی علنی اقدام و یا راضی به آن بودند (عنکبوت: ۲۸) و نتیجه این گناه عذاب فراگیر الهی شد و حتی آنهایی را که مقابل این گناه سکوت کرده بودند نیز به کام خود کشید و از آن جهت است که قرآن تغییر در احوال قومی را به دست خود آن قوم می داند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ» (رعد آیه ۱۱) و گاهی گناه ملتی موجب زایل شدن نعمت های بزرگ می شود و این گناه سکوت مقابل منکر و ظلمی است که در جامعه در حال رخ دادن است (امام خامنه ای. بیانات در دیدار کارگزاران نظام. ۱۳۸۴/۸/۸. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3147> و برای طی کردن این مسیر نیاز به یک سرمایه است و آن سرمایه چیزی نیست جز معنویت. (امام خامنه ای. بیانات در دیدار جمعی از پاسداران. ۱۳۸۱/۷/۱۷. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3147>)

ردیف	مضامین پایه در بیانات رهبری	شواهد قرآنی
	همراهی معنویت و عقلانیت	حج: ۴۶، انعام: ۲۵، اسراء: ۴۶، کهف: ۵۸
۱	لغزش (عدم استقامت)، نفاق و تکذیب (تغییر باورها)	آل عمران: ۱۵۵، توبه: ۷۷، روم: آیه ۱۰
۲	گناهان جمعی	عنکبوت: ۲۵، انفال: ۲۵، هود: ۸۲

ج) فعالیت کانونهای ضد معنویت (تهاجم فرهنگی)

لفظ «سبیل الله» در تفاسیر با کلمات مختلفی ذکر شده که با کمی دقت می توان فهمید که همه این تعابیر در واقع یک چیز هست و آن ایمان واقعی و قلبی به خدا و پیامبر اکرم ﷺ و جانشینان ایشان می باشد (ر. ک. رضوی کیا، ۱۳۹۶، ۱۷۴) خداوند در قرآن از کسانی که انسانها را از ایمان واقعی باز می دارند یا گمراه می کنند با تعابیر صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ: الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (هود: ۱۹) و اضلال عن سبیل الله: وَإِنْ تُطِغْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (انعام: ۱۱۶) نام برده است، در تفاسیر «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» به معنای اعراض

از راه خدا و بیشتر منع و جلوگیری از راه خدا به کار رفته است (طوسی، ۱۴۱۸ق، ۲/ ۲۰۷، طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲/ ۲۴۹، شاذلی، ۱۴۱۲ق، ۱/ ۴۳۷) در معنای اعراض از راه خدا این مسئله جنبه فردی دارد ولی در تعبیر دوم که بیشتر آیات قرآن ناظر به همین معناست و به معنی منفع کردن و جلوگیری از راه خداست موضوع جنبه اجتماعی پیدا کرده است. و بی شک کسانی که به هر کدام از طرق از سبیل خداوند منع و دور می شوند هدایت به نور در دل آنها کمرنگ می شود و از معنویت واقعی دور می افتند.

در تفسیر آیه ۱۹ سوره هود آمده: این کار (يُضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ) یا از طریق القاء شبهه، تهدید، و گاهی تطمیع صورت می گیرد یعنی با انواع تحریفها، کم و زیاد کردن، تفسیر به رای و مخفی ساختن حقایق چنان می کنند که این صراط مستقیم به صورت اصلیش در نظرها جلوه گر نشود و افراد حق طلب جاده اصلی را پیدا نکنند (مکارم شیرازی، ۹/ ۶۱) و در تفسیر آیه ۱۱۶ سوره انعام هم در باب (يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ) آمده در شناخت دین و معرفت حق جمعیت اعتبار نیست زیرا ممکن است حق با اقلیت باشد (طبرسی، ۱/ ۲۴۴) و علت این عدم اطاعت آن است که بیشتر افراد از ظن و گمان خود تبعیت می کنند و در اموری از قبیل معارف الهی و شرایع که بایستی از ناحیه خدا اخذ شود جز به علم و یقین نمی توان تکیه داشت و گرنه سبب ضلالت و گمراهی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۷/ ۴۵۵) لذا آنچه که موجب بازداشتن و گمراهی از سبیل الله می شود مانند: تزیین اعمال ناپسند (نحل: ۶۳)، شبهه افکنی (زخرف: ۶۱)، وعده های دروغین (انعام: ۹) به فراموشی انداختن (انعام: ۶۸) اشاعه فحشاء (بقره: ۱۶۸) خرافات (نساء: ۱۱۷) ایجاد بدعت (بقره: ۱۶۹) و ایجاد آرزو (محمد: ۲۵) و وسوسه و اغوا (ق: ۶) است که نمود آن را میتوان در تهاجم، ناتو و جنگ فرهنگی دشمن دید. و از منظر قرآن تنها راه رویارویی با این افراد مبارزه است: وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا (بقره: ۲۱۷) و اگر ملتی به خصوص خواص آن مقابل این جنگ ساکت بماند و با آن همراه شوند به سنت الهی دچار می شود: وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا (اسراء: ۱۶) لذا در

جامعه اسلامی علاوه بر دقت در رفتار مسئولان و موثران ملت توجه به کانونها و مراکز ضد معنویت که به صورت سازمان یافته برای براندازی جامعه برنامه ریزی می کنند حائز اهمیت است.

ردیف	مضامین پایه در رهنمودهای رهبری	شواهد قرآنی
	مقابله با کانونهای ضد معنویت و وظیفه مسئولان حکومت اسلامی	اسراء: ۱۶، بقره: ۲۱۷
	تفکر و مدیریت جهادی در برخورد	فرقان: ۵۲
	پاسداری، رصد و گسترش معنویت و وظیفه حکومت اسلامی	حج: ۴۱

نتیجه گیری:

معنویت اگر چه به پیوند درونی انسان با خداوند اشاره دارد، اما واقعیتی صرفاً فردی نیست و تکون اجتماعی دارد. معنویت بیان شده در بیانیه گام دوم انقلاب این حقیقت جمعی را نشان می دهد و آن را برای ساخت تمدن اسلامی ضروری می داند. در واکاوی مفهومی معنویت در قرآن کریم مشخص شد که می توان گزاره هدایت به نورو رسیدن به حیات طیبه را با این واژه هم جهت و هم سو دانست، از منظر امام خامنه ای نیز معنویت معنای قرب و حرکت به سوی خدا را دارد، از این منظر این هدایت موجبات حیات طیبه را فراهم می آورد که تمدن نوین اسلامی به نوعی زمینه ساز این حیات است.

از سوی دیگر این هدایت را قرآن فقط مختص فرد نمی داند بلکه آن را متوجه جامعه از آن جهت که برای «امة» و «صَدِّ و ضَلَّ عن سبیل الله» اعتبار قائل است، می داند از منظر رهبر معظم انقلاب نیز معنویت جنبه خودساز و جامعه ساز و حتی تمدن ساز دارد.

در زمینه تقویت رکن معنویت و اخلاق، هماهنگی میان مضامین مورد نظر رهبری و شواهد قرآنی وجود دارد که عوامل تقویت کننده عبارت اند از: ایمان به خدا، تقوا، عمل صالح، تربیت اخلاقی و حاکمیت الهی در جامعه.

همچنین در زمینه عوامل تضعیف کننده با توجه به تطبیق مضامین مورد نظر رهبری و شواهد قرآنی می توان به عواملی چون: دنیا گرایی، گناه و فعالیت کانونهای ضد معنویت

اشاره کرد.

آنچه که در معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم انقلاب بسیار نمود دارد بحث جامعه سازی و وظیفه حکومت در پاسداری، رصد و گسترش آن است که به جرات می توان گفت چنین وظیفه ای در هیچ تمدنی به خصوص تمدن های سکولار غربی با توجه به ماهیت آنان قابل مشاهده نیست.

فهرست منابع:

- * قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۱. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم، چاپ: اول، مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت، چاپ: سوم، دار صادر.
 ۳. الهامی نیا، علی اصغر و دیگران (۱۳۹۰)، معنویت اسلامی (چیستی، چرایی و چگونگی)، قم، چاپ اول، زمزم هدایت.
 ۴. بابایی، رضا، (۱۳۸۷)، «قرآن و معنویت»، پیام، شماره ۹۰.
 ۵. بستانی، فوادفرام، (۱۳۷۶)، فرهنگ ابجدی، مترجم: رضا مهیار، تهران، چاپ: سوم، اسلامی.
 ۶. بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۸۹)، «روش طرح توحید در قرآن»، قبسات، شماره ۵۷، سال ۱۵.
 ۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، مراحل اخلاق در قرآن کریم، قم، چاپ: دهم، اسراء.
 ۸. جوهری، اسماعیل، (۱۴۰۷ ق)، الصحاح، تحقیق احمد عطار، بیروت، چاپ: اول، دار العلم للملایین.
 ۹. حمیدیه، بهزاد، (پاییز ۱۳۹۵)، «سکولاریزاسیون معنویت، تهدیدی فرهنگی»، نقد و نظر، شماره سوم.
 ۱۰. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۶)، منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای، تهران، چاپ دوم، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۱۱. داد خدا، خدایار، (۱۳۹۳)، «تاثیر اعمال صالح در زندگی معنوی از منظر قرآن»،

- فصلنامه اخلاق پزشکی، شماره ۲۷
۱۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ: دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران، چاپ: دوم، مرتضوی.
۱۴. رضوی کیا، سیده زینب، (۱۳۹۶)، «تبیین مفهوم «صد عن سبیل الله» در قرآن»، سراج منیر، شماره ۸.
۱۵. رودگر، محمد جواد، (۱۳۸۸) «معنویت گرایی در قرآن»، علوم اسلامی، شماره ۱۴، سال چهارم.
۱۶. سعیدی، محمد مسعود، (۱۳۹۹)، «نظریه معنویت در قرآن»، کتاب قیم، شماره ۲۲، سال دهم.
۱۷. شاذلی، سید بن قطب، (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن. بیروت، چاپ: ۳۵، دارالشروق.
۱۸. شانظری، (۱۳۹۱)، «اخلاق دینی و اخلاق سکولار»، فصلنامه علمی ترویجی اخلاق، شماره ۵.
۱۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۷۷)، شرح مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه / ترجمه عبد الرزاق گیلانی، تهران، چاپ: اول، پیام حق.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۷)، معنویت تشیع به ضمیمه چند مقاله دیگر، قم، چاپ اول، تشیع.
۲۱. -----، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم، چاپ: پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، (بیتا)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران، چاپ: اول، فراهانی.

۲۳. فیروز مهر، محمد مهدی، (۱۳۹۲)، «مفهوم شناسی اخلاق از نگاه قرآن»، فصلنامه علمی-ترویجی اخلاق، شماره ۸
۲۴. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران، چاپ اول، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۵. قهرمانیان، مریم، (۱۳۹۰)، «تحلیل و معنانشناسی تزکیه و تهذیب در آیات قرآن با تاکید بر تفسیر المیزان»، مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره ۸.
۲۶. گلایری، علی، (۱۳۸۴)، «دنیا‌گرایی یا سرگردانی مدرن»، رواق اندیشه، شماره ۴۹.
۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱)، اخلاق در قرآن، قم، چاپ: هفتم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۸. -----، (۱۳۸۸) «اصول و مبانی معنویت از منظر کتاب و سنت»، حصون، شماره ۲۰
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱) تفسیر نمونه، تهران، چاپ یازدهم، دار الکتب الإسلامية.
۳۰. مولودی، فاطمه و همکاران، (۱۳۹۵)، «فرآیند شکل‌گیری نظام‌های صالح از منظر قرآن و روایات»، آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۳.
۳۱. نورمحمدی، محمد رضا، دیگران (۱۳۸۹)، «قرآن و راهکارهای معنوی جهت‌تامین بهداشت روانی انسان‌ها»، کتاب‌قیم، شماره ۲.
32. Houtman, Dick & Stef Auper, (2007), The spiritual turn and the decline of tradition: The Spread of Post-Christian Spirituality in 14 Western Countries, 1981 - 2000". *Journal for the Scientific Study of Religion* 46 (3): 305 - 320.